

چهارشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۲ | ۱۸ شعبان ۱۴۴۵

در بخش پیشین گفت‌وگو به ضرورت تربیت چهره‌های سیاسی و جای خالی نوعی مدرسه حکمرانی در میان احزاب ما اشاره کردید. فارغ از اینکه نظام حکمرانی امریکا و ارزش‌های حاکم‌بسر آن با نظام حاکمیتی و سیاسی ایران متفاوت است اما چندی پیش در پوشش خبری جلسه کنگره امریکا که شبکه ۴ خودمان پخش کرد، ما نماینده پلتفرم تیک‌تاک – که یک پلتفرم چینی است و می‌دانیم که امریکا و چین به نوعی در فضای رقابت، ستیز و تعامل قرار دارند – در میان سناتورهای امریکایی حاضر شده بود و به سؤالات متعدد سناتورها درباره تأثیرات مخرب این شبکه اجتماعی و حواشی آن بر جامعه امریکا پاسخ می‌داد. این نمایندگان به قدری سنجیده، مستدل و با اطلاعات دقیق و خونسرد سخن می‌گفتند که معلوم بود پشت آن اظهارات ساعت‌ها بررسی، مشاوره، تجربه و جامعیت سیاسی وجود دارد و عملاً بدون آنکه اهانت لفظی به نماینده شرکت چینی کنند، او را در گوشه رینگ و در وضعیت «آچمز» قرار دادند. با اینکه پایه‌های کنش مبتنی بر مدیریت هیجان و مشی یخته و نگر یستن چندبعدی در آموزه‌های معرفتی و دینی ما به وفور و به شکل درخشانی وجود دارد، چرا کمتر در نطق نمایندگان مجلس و در دایره وسیع‌تر در شخصیت‌های سیاسی و گاه حتی موعظه‌گران مان می‌بینیم؟

آن سناتور که به تعبیر شما یخته و جام سخن می‌گوید، آن سخن‌جامع او از بطن دانش صرف و بیرون نیامده است. او اتاق فکر قوی و مشاوران کارآمدی دارد که این اسناد، مدارک و جمع‌بندی‌ها از سوی آن افراد در اختیار سناتور قرار می‌گیرد. الان در کشور ما هم آدم تحصیلکرده و نخبه کم نداریم.

**پس چرا این ارتباط شکل نمی‌گیرد؟**

چون آن نماینده مجلس یا رجل سیاسی برای خودش کسر شأن می‌داند. ما باید این فرهنگ را اصلاح کنیم. متأسفانه حتی در خانواده‌های مان هم می‌بینیم و در تربیت خانوادگی ما هم مغفول است که پدر و مادر خانواده، اصلاً را جمع کنند و برای انجام کاری نظر بگیرند، حتی اگر گاه نظرشان را نپسندند، حتی اگر انتهای کار بگویند ما نظرات شما را شنیدیم، اما چون به عنوان پدر یا مادر حق و توداریم – و این حق و تو متکی بر نظر جامع‌تر، پختگی و عاقبت‌بینی است – از حق خود استفاده می‌کنیم.

**و این پالیس را می‌فرستند که نظر ثان را گرفتیم.**

این مشن در کشور ما کم‌رنگ است. اگر نماینده مجلس می‌خواهد نطق کند، چه اشکالی دارد با دو مشاور مشورت بگیرد. یک گروه جمع کند. هزینه هم نمی‌خواهد. الان یک نماینده با استفاده از ظرفیت قانونی در ششم خودش فضای دفتری را اجاره کرده است و در دفتر او دو نفر مستقرند که حقوق آن دو نفر هم جزو حقوق نمایندگی است.خب این فضا را که دارد، چه هماهنگ‌کننده را هم که دارد، آن‌ها به‌هاستگ کنند تمام بگیرد یا اسناد فلاشی در فلان شهر، آقای نماینده با شما جلسه مشورتی دارد. آن فرد خودش را به آن جلسه می‌رساند.

**و همین استاد سسر کلاس می‌رود و به دانشجوی خودش منتقل می‌کند.**

بله، می‌گوید ما من مشورت کردیم و از من نظر خواستند و من نظر دادم. ما می‌توانیم این رفتار را تبدیل به ارزش کنیم. ما این مشن را در حوزه NGOها داریم. یکی از NGOهای کارآمد در کشور ما پایگاه‌های بسیج هستند. اینها جلسات هفتگی دارند. معمولاً دو هم جلسه دارند، یکی حلقه صالحین و یکی هم بحث‌های سیاسی. یکی معطوف به اعتقادات و دیگری ناظر بر مسائل روزی، یعنی همان پای‌های اصلی جمهوری اسلامی؛ مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی. خب ما این را می‌توانیم اجرا کنیم. مشروعیت الهی چه می‌گوید؟ مشروعیت الهی این است که خداوند متعال چون انسان را خودش خلق کرده است، بنابراین تنها کسی که شایستگی آن را دارد که بر این انسان حکومت کند، خداست و نه کسی دیگر. خداوند از طریق پیامبران خودش و در انتها پیامبر عزیز خاتم‌(ص) و در ادامه امامان معصوم(ع) بر دنیا حکومت می‌کند و در دوره غیبت امام عصر(عج) این مسئولیت بر عهده ولی‌فقیه است، اما اگر مقبولیت مردمی نباشد، ولی‌فقیه نمی‌تواند حاکم شود. ما در دوران غیبت حضرت ولی عصر(عج) در این حدود هزار و صوادندی سال، هشتادواندی ولی‌فقیه داشته‌ایم که از میان آنها فقط دو ولی‌فقیه حاکم بودند، چون مقبولیت مردمی نبود. این ولی‌فقیه زمانی می‌تواند حاکم باشد که مقبولیت مردمی داشته باشد و ما همین را در نظام جمهوری اسلامی به یک ساختار تبدیل کرده‌ایم و برای آن مجلسی هم شکل گرفته‌است با عنوان مجلس خبرگان رهبری. خب این ساختار منحصر به فردی در دنیاست، بنابراین مهم‌ترین انتخابات پیش روی ما مجلس خبرگان است، بعد مجلس شورای اسلامی. در واقع نماد مشروعیت الهی در انقلاب اسلامی، مجلس خبرگان است و نماد مقبولیت مردمی، مجلس شورای اسلامی و اتفاقاً هر دو در کنار هم انتخابات‌شان را برگزار می‌کنند. خب ما باید این را در کتاب‌های درسی، یکنجانبی و دانش آموز بلدند. نیابند اینها را از هم تفکیک کنند. تفکیک اینها از هم، یعنی فقدان انقلاب اسلامی.

بعد از پیامبر(ص) حضرت امیر(ع) مشروعیت الهی داشت، اما مقبولیت مردمی نداشت. بنا به دلایلی که می‌نابید حضرت امیر(ع) ۲۵سال خاننشین بود. روزی که مقبولیت پیدا کرد، آمد و حاکم شد. حضرت امیر(ع) حدود پنج سال حاکم بود، بعد از حضرت امیر(ع)، امام حسن(ع) قریب به شش ماه حکومت کردند و ما دیگر کنار هم جمع‌شدن مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی رانداشتیم تا هم‌امروز. خب ما باید این را به مردم توضیح

د کتر د ا ر یو ش

صفر نژاد، تحلیلگر ارشد بین‌الملل

با تمرکز بر مسائل منطقه اوراسیا است و

اندوخته نظری و عملی او در مرادوات بین‌المللی

باعث شده است وی زاویه دید راهبردی را برای تحلیل

بهتر آنچه امروز در فضای انتخابات کشور می‌گذرد،

پیشنهاد کند و به تبع آن فضای انتخابات موجود را در قیاس با

کارکردهای مشابه آن در سایر کشورها به ویژه کشورهای که

تحزب در آنها ریشه‌دار تر است، ببیند. در آستانه انتخابات

مجلس و خبرگان با این کارشناس و تحلیلگر

گفت‌وگو کرده‌ایم. بخش دوم و پایانی

این گفت‌وگو را می‌خوانید.



رضادمشیری | جوان

در گفت‌وگو با دکتر داریوش صفرنژاد، تحلیلگر و کارشناس ارشد بین‌الملل مطرح شد

# «نارسایی احزاب» خندق میان ما و انتخابات است

به خدا بسپار، کارکن و حواست به منافع جمعی و ملی باشد – از زنده نگه داریم. چطور می‌توانیم این نگاه را در احزاب، شخصیت‌های سیاسی، نخبگان و فرهنگ عمومی خود داشته باشیم که حواس‌شان به سلسله‌مراتب منافع باشد؟

من اعتقاد دارم ما هنوز هم آن روحیه را داریم، اما این روحیه را در ساختار NGOها داریم. سمن‌ها از ورود به مسائل سیاسی منع هستند و رأس و سرآمد NGOهای ما هم بچه‌های بسیج و هیئت‌های مذهبی‌اند. در دهه

به خدا بسپار، کارکن و حواست به منافع جمعی و ملی باشد – از زنده نگه داریم. چطور می‌توانیم این نگاه را در احزاب، شخصیت‌های سیاسی، نخبگان و فرهنگ عمومی خود داشته باشیم که حواس‌شان به سلسله‌مراتب منافع باشد؟

من اعتقاد دارم ما هنوز هم آن روحیه را داریم، اما این روحیه را در ساختار NGOها داریم. سمن‌ها از ورود به مسائل سیاسی منع هستند و رأس و سرآمد NGOهای ما هم بچه‌های بسیج و هیئت‌های مذهبی‌اند. در دهه ۶۰هجری، ما در راهبیمایی‌ها، در فراخوان مردم برای حضور در تجمع‌ها و انتخابات موتورهای محرکه اجتماعی هستند. ما هلال احمر، کمیته‌امداد، بهزیستی، شهرداری و آتش‌نشانی ما داریم اما می‌بینید که بسیج موتور محرکه است. امروز بعد از ۴۵سال این الگوی ما در جاهای دیگر هم رفته است. شما این الگو را در عراق، سوریه، لبنان، یمن و جاهای دیگر می‌بینید که نیروهای مردمی خودشان بدون اینکه ذی‌نفع باشند، برای این و آن کتو و مخالف است، می‌گویند، من این راه را قبول ندارم. نظام پادشاهی در این کشور قدمت بیشتری دارد و این ژن در خون ماست و نظام جمهوری اسلامی تازه ۴۵سال در پشت سر گذاشته، این یعنی خیلی جوان است

دکتر داریوش صفرنژاد، تحلیلگر ارشد بین‌الملل مطرح شد

به خدا بسپار، کارکن و حواست به منافع جمعی و ملی باشد – از زنده نگه داریم. چطور می‌توانیم این نگاه را در احزاب، شخصیت‌های سیاسی، نخبگان و فرهنگ عمومی خود داشته باشیم که حواس‌شان به سلسله‌مراتب منافع باشد؟

من اعتقاد دارم ما هنوز هم آن روحیه را داریم، اما این روحیه را در ساختار NGOها داریم. سمن‌ها از ورود به مسائل سیاسی منع هستند و رأس و سرآمد NGOهای ما هم بچه‌های بسیج و هیئت‌های مذهبی‌اند. در دهه ۶۰هجری، ما در راهبیمایی‌ها، در فراخوان مردم برای حضور در تجمع‌ها و انتخابات موتورهای محرکه اجتماعی هستند. ما هلال احمر، کمیته‌امداد، بهزیستی، شهرداری و آتش‌نشانی ما داریم اما می‌بینید که بسیج موتور محرکه است. امروز بعد از ۴۵سال این الگوی ما در جاهای دیگر هم رفته است. شما این الگو را در عراق، سوریه، لبنان، یمن و جاهای دیگر می‌بینید که نیروهای مردمی خودشان بدون اینکه ذی‌نفع باشند، برای این و آن کتو و مخالف است، می‌گویند، من این راه را قبول ندارم. نظام پادشاهی در این کشور قدمت بیشتری دارد و این ژن در خون ماست و نظام جمهوری اسلامی تازه ۴۵سال در پشت سر گذاشته، این یعنی خیلی جوان است

دکتر داریوش صفرنژاد، تحلیلگر ارشد بین‌الملل مطرح شد

به خدا بسپار، کارکن و حواست به منافع جمعی و ملی باشد – از زنده نگه داریم. چطور می‌توانیم این نگاه را در احزاب، شخصیت‌های سیاسی، نخبگان و فرهنگ عمومی خود داشته باشیم که حواس‌شان به سلسله‌مراتب منافع باشد؟

من اعتقاد دارم ما هنوز هم آن روحیه را داریم، اما این روحیه را در ساختار NGOها داریم. سمن‌ها از ورود به مسائل سیاسی منع هستند و رأس و سرآمد NGOهای ما هم بچه‌های بسیج و هیئت‌های مذهبی‌اند. در دهه

که در پنج‌سال آینده، ۷۳درصد را به ۹۰درصد برسانم، یعنی حزب ما این را با عدد و رقم به مردم توضیح بدهد. دقت می‌کنید؟ یک بخشی از آنهایی که مالیات نمی‌دهند، مطمئن باشید با آگاهی‌بخشی پای کار می‌آیند، البته یک بخشی نه، خیلی راحت بگویم از یک بخشی باید مالیات را گرفت و به اصطلاح کند، در غرب هم همین است. ما اگر بخواهیم دین اجتماعی مان را ادا کنیم، عوارض شهرداری را بموقع باید پرداخت کنیم. طبق نص صریح قرآن فقط در قبال خودمان یا خانواده مسئول نیستیم، در قبال جامعه هم مسئول هستیم، یعنی آن پیمانکاری که برای شهرداری کار می‌کند و می‌خواهد برای کارگر روزمزد خود دستمزد بدهد، من اگر عوارض شهرداری‌ام را بموقع ندهم، آن پیمانکار هم نمی‌تواند حقوق کارگر را بدهد. ما الان پیمانکارهایی داریم که ۱۰ماه است حقوق کارگر را نداده‌اند. چرا؟ به خاطر اینکه من به عنوان شهروند گوشه‌ای از مسئولیت اجتماعی خودم را ادا نمی‌کنم. چه اشکالی دارد، ما برای اینکه دین اجتماعی خودمان را ادا کنیم، اول سال عوارض مان را بدهیم و نگذاریم برای آخر سال که شهرداری قبض و پیگیری بفرستد. ما اگر جامعه را به این باور برسانیم و جامعه خودش همراهی کند، خیلی از چرخ‌ها می‌چرخد. چه کسی می‌تواند؟ NGOها و احزاب از یک سو، آموزش و پرورش و آموزش عالی از سوی دیگر و سوم گروه‌های مرجع اجتماعی. این سه گروه می‌توانند مردم را به این باور برسانند و مشارکت اجتماعی را بالا ببرند. خیلی شفاف بگویم، ما عوارض شهرداری را با کلی التماس و پیگیری شهرداری می‌دهیم. برخی تا خانه خودشان را نفرورشد، عوارض خانه را نمی‌دهند. خب چه اشکالی داره، اول هر سال این عوارض را پرداخت کن، هم به تو فشار نمی‌آید، هم جریمه نمی‌شوی و از جایزه خوش حسابی برخوردار می‌شوی و هم با این پول تو، چهار کارگر روزمزد و پاکبان‌های شهرداری دستمزد خود را بموقع دریافت می‌کنند.

**در واقع می‌گویید اگر سار د و تأثیر رفتارهای مردم را به عیان نشان دهیم، بسیاری از مسائل ما حل خواهد شد.**

نشان و آموزش بدهیم. اول هم این آموزش باید به گروه‌های مرجع و شخصیت‌های سیاسی داده شود و حزب باید این‌کار را انجام دهد و NGOها. در بعد اجتماعی و مردمی NGOها و در بعد سیاسی و برنامه‌ریزی اقتصادی، احزاب. اما امروز همه اینها گردن حاکمان و دولتمردان افتاده است. دولتمردان نمی‌توانند. اصلاً اگر این طور است، پس چرا نظام جمهوری اسلامی است.

**خب حزب انگار یک وصله ناجور است و مناسبات روانی و جمعی ما آن را پس می‌زند.**

بپذیریم که حزب در ایران نوباست. چندی پیش در جمعی بودم و دوستی گفت چرا تو می‌گویی نوباست. ۴۵سال از انقلاب می‌گذرد. گفتیم ۲هزار و ۵۰۰سال نظام پادشاهی بوده، همیشه یک نفر تصمیم می‌گرفته، می‌گفته، می‌بریده و همه می‌گفتند چشم و ما هنوز در ایران عاشق کسی هستیم که ببرد. بعضی می‌گویند حضرت آقا چاروورد نمی‌گذرد. جمهوری بت یعنی چندصدایی. اگر قرار بود این کارها را بکنند، برای چه انقلاب اسلامی آمد، ولی چلی فقیه آمد. به همان نظام پادشاهی بسنده می‌کردیم. می‌خواهم بگویم فهم جمهوری در جامعه ما قدری ضعیف است، جمهوری بت یعنی چندصدایی دیده‌اید وقتی دور هم جمع می‌شویم و حرف‌های متناقض زده می‌شود، کسی بلند می‌شود و می‌گوید شما چرا سه مدل حرف می‌زنید.

**نمی‌توانیم این تنوع را تاپ بیآوریم.**

در جلسه‌ای که نخبه‌ها و استادان درباره موضوعی تخصصی گرد هم جمع شده بودند، سخنان سوم بودم. زودتر رسیدم و سخن ارائه‌کننده دوم را شنیدم. بعد که ارائه کردم و رسید به پاسخ سؤالات، سؤال کردند امروز سه نفر ارائه دادند، چرا سه دیدگاه مختلف به ما گفتید. خب عزیز! قرار نیست که همه مثل هم فکر کنند و مثل هم حرف بزنند، الان دعوی احزاب و سلاقی سیاسی بر سر نوع نگاه است. کدام یک از این سلاقی می‌گویند ما ضدانقلاب هستیم؟ هیچ کدام. آقای الف هم که سابق و اسبق رئیس دولت بوده است، می‌گوید، من راه رسیدن به تعالی انقلاب اسلامی را در این می‌بینم. آقای ب که با او مخالف است، می‌گوید، من این راه را قبول ندارم. نظام پادشاهی در این کشور قدمت بیشتری دارد و این ژن در خون ماست و نظام جمهوری اسلامی تازه ۴۵سال را پشت سر گذاشته، این یعنی خیلی جوان است. نمی‌دانم دقت کرده‌اید که همه با حدود ۱۰۰گروهک ضدانقلاب برانداز در خارج داریم، با اسامی مختلف، همه‌شان یا سلطنت طلبند یا کسی مثل شاه را قبول دارند، مثل پژاک، سازمان متقش، دانش کواپانی، بان‌غریبسم و پان‌ترکیسم، همه‌شان با همان الگوی پادشاهی می‌چرخند و یک نفر را شاخص خود قرار داده‌اند. در میان معارضان خارج نشین جمهوری اسلامی کسی که دنبال جمهوریت باشد، نداریم. به خاطر همین هم موفق نبوده‌اند و نیستند، چون هر کس سر کار بیاید، اجازه نخواهد داد مردم نطق بکشند و مردم این را می‌دانند. دیدید که با خودشان هم دعوا دارند و باهم نمی‌سازند؟ اما در همین جمهوری اسلامی یک میهمان در شبکه ۳ حرف‌هایی علیه انتخابات می‌زند که در هیچ کجای دنیا نمی‌شنوید.

**اگر بخواهیم از ظرفیت نظام انتخاباتی کشور به درستی استفاده کنیم، چه کاری باید انجام دهیم؟**

بالا بردن آگاهی عمومی در آموزش و پرورش و به طور کلی سیستم آموزش کشور و استفاده از ظرفیت NGOها، بسیج، هیئت‌های مذهبی و شخصیت‌های مرجع اجتماعی. این چهار حلقه باید پای کار بیایند که ما بتوانیم از این ظرفیت به درستی استفاده کنیم. نظام جمهوری اسلامی در این ۴۵سال هفت نوع انتخابات برگزار کرده است. در بیش از ۴دهوره انتخابات، بدون احتساب انتخابات میان‌دوره‌ای و دوروم و این در دنیا سرآمد و رکورد است و ما این را باید به عنوان افتخار گوشزد کنیم.